

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۷۳

جمعه ۱۴ شهریور ۱۳۹۳، ۵ سپتامبر ۲۰۱۴

**کارگران بافق مقابل تمام
شگردهای حکومت ایستاده اند!
دو کارگر زندانی آزاد شدند اما
اعتصاب و تحصن ادامه دارد!**

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۶

**صدها نفر با حمله به جلادان
داعشی در محمودآباد مازندران
مانع اجرای حکم اعدام شدند.**

کمیته بین‌المللی علیه اعدام

صفحه ۸

**خطاب به مردم سنندج و جهت
اطلاع عمومی!
آب سنندج آلوده شده است!**

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

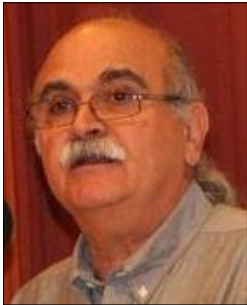
صفحه ۱۱

**اتحادیه سراسری کارگران تولیدی
استرالیا با حمایت خود از کارگران
زندانی خواستار انزوای سیاسی جهانی
جمهوری اسلامی شدند.**

صفحه ۱۱

مصاحبه با حمید تقوائی در مورد

کنگره ۹ حزب، انتظارات و چشم اندازها



انترناسیونال: نهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در ماه اکتبر امسال برگزار میشود. بطور کلی کنگره چه جایگاه و اهمیتی برای حزب دارد؟ آیا گسترش ارتباطات و امکان تبادل نظر از طریق رسانه های مختلف اجتماعی از نقش و اهمیت کنگره کم نکرده است؟

و نقش مهم و تعیین کننده ای دارد.

از دید جامعه کنگره حزب يك رخداد سیاسی است؛ يك گردهمائی از فعالین و مبارزینی که نارضائی و نقد عمیق توده مردم به حکومت و نظام موجود

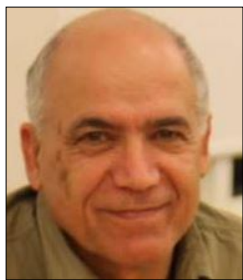
صفحه ۲

عملکرد رهبری حزب در دوره گذشته را بررسی میکنند، در مورد مهمترین مسائل پیشروی حزب و جامعه بحث و تبادل نظر میکنند، جهت عمومی و رؤس سیاستهای حزب را تعیین میکنند، و کمیته مرکزی یعنی جمع رهبری حزب تا کنگره بعد را انتخاب میکنند. معمولاً در کنگره ها اسناد مهمی به شکل قطعنامه و قرار و بیانیه تصویب میشود که جهت عمومی سیاستها و عملکرد رهبری حزب را تعیین میکنند. اما نقش و اهمیت کنگره تنها به خود حزب محدود نمیشود. از لحاظ اجتماعی و موقعیت و مکان اجتماعی حزب هم کنگره جایگاه

حمید تقوائی: کنگره عالیترین ارگان یا اجلاس حزبی است. در کنگره ها که بر طبق اساسنامه باید هر دو سال حداقل یکبار برگزار بشود، نمایندگان اعضای حزب حضور بهم میرسانند، فعالیتهای حزب و

مهمترین درس بافق

اصغر کریمی



صفحه ۴

**حماس ۱۸ تن را به جرم
"جاسوسی" اعدام کرد!
آیا "جاسوسی" جرم است؟**

علی جوادی

صفحه ۵

**لیست نمایندگان کنگره نهم
حزب کمونیست کارگری ایران
در مرحله انتخابات سراسری به ترتیب درصد آرا**

صفحه ۱۲

مصاحبه با حمید تقوائی در مورد

کنگره ۹ حزب، انتظارات و چشم اندازها

را نمایندگی میکنند و راه و مسیر پیشرویهای بیشتر و پیروزی نهائی را مشخص و اعلام میکنند. میدانید که کنگره ما علنی برگزار میشود و همه علاقمندان میتوانند در کنگره و در مباحث آن مستقیماً شرکت داشته باشند. بنابر این از نظر ترکیب شرکت کنندگان نیز کنگره را میتوان یک اجلاس سیاسی اجتماعی فراحزبی تلقی کرد.

در مورد بخش دوم سؤالتان به نظر من گرچه مدیای اجتماعی فعل و انفعال سیاسی و نظری را در حزب و در کل جامعه بسیار تسهیل کرده است اما بهیچوجه نمیتواند ما را از کنگره و کلا اجلاسهای حضوری بی نیاز کند. ما از مدیای اجتماعی و اینترنت برای برگزاری انتخابات کنگره، پخش گزارش زنده از جلسات و مباحث کنگره، و انتشار مصوبات و گزارشات و پیامها و متن سخنرانیهای کنگره وسیعاً استفاده میکنیم. اما خود کنگره را نباید به یک پدیده مجازی تنزل داد.

تبادل نظر و بحث و تصمیمگیری و بویژه همنظری و هم خط شدن و نزدیکی فکری و سیاسی افراد به یکدیگر در جلسات حضوری با راندمان و کیفیت بسیار بهتری صورت میگیرد و این در مورد نه تنها حزب ما و یا احزاب و سازمانهای سیاسی بلکه همه سازمانها و نهادهائی که به بحث

و رایزنی و تصمیمگیری جمعی نیاز دارند صدق میکند. اگر اینترنت میتواندست به این ضرورت پاسخ بدهد به اجلاسها و سمینارها و کنفرانسهای متعددی که هر روزه در سطح کشورها و در سطح بین المللی تشکیل میشود احتیاجی نبود. بخصوص برای یک حزب انقلابی خلاف جریان مثل حزب ما جلسات و دیدارهای حضوری نقش حیاتی ای ایفا میکند و کنگره مهمترین این نوع جلسات است.

انترناسیونال: شما به کنگره بعنوان یک رخداد سیاسی - اجتماعی اشاره کردید. کنگره ۹ در چه شرایط سیاسی ای تشکیل میشود و این شرایط بر مباحث و تصمیمات کنگره چه تاثیری میتواند داشته باشد؟

حمید تقوائی: کنگره در شرایطی تشکیل میشود که همه عوامل برای اشاعه و توده گیر شدن نقد کمونیستی از وضعیت امروز دنیا در یک مقیاس بین المللی فراهم است. به نظر من هیچ زمان بورژوازی مانند امروز با بی افقی ایدئولوژیک - سیاسی - اقتصادی و سر درگمی استراتژیک مواجه نبوده است و هیچ زمان مانند امروز توده وسیع مردم، نود و نه درصدیهای جهان، این چنین از وضعیت موجود ناراضی و معترض نبوده اند. نه تنها چپها و نیروهای

مترقی و پیشرو بلکه حتی خود رسانه های رسمی و آکادمیسینها و شخصیت های طبقه حاکمه اعلام میکنند که فاصله و تبعیض فاحش بین فقر و ثروت به حد انفجار رسیده است و این

وضعیت قابل ادامه نیست. از نقطه نظر سیاسی به نظر من خاورمیانه جنگزده و به هم ریخته امروز بطور نمادین و برجسته ای بی خطی و بی افقی و درماندگی بورژوازی در سطح کل جهان را نشان میدهد. داعش خود محصول هجوم نظامی آمریکا و متحدینش به عراق و افغانستان و در عین حال نافرمامی سیاستهای نظم نوینی است که به این تهاجم نظامی منجر شد. مشخصاً فاجعه ای که امروز در خاورمیانه شاهد آن هستیم ناشی از افسارگسیختگی دولتها و نیروهای اسلامی، از عربستان سعودی و ترکیه و جمهوری اسلامی تا داعش و دیگر نیروهای قومی - مذهبی فعال در سوریه و عراق، بر متن شکست استراتژی میلیتاریسم نشوکنسرواتستی آمریکا و متحدینش در منطقه و جنگ قدرتی است که بین این نیروهای فوق ارتجاعی درگرفته است.

"در جنبش اشغال و در انقلابات منطقه فعالین چپ و کلا چپ اجتماعی که نقد ریشه ای به دیکتاتوریها و حکومت یک در صدیها داشت وسیعاً فعال بود اما کمونیسم متحزب ضعیف و یا حاشیه ای بود. یک نتیجه مهم این تجربه برای حزب ما اینست که با درک و تبیین سنتی از حزب و حزبیت نمیتوان از حاشیه به متن تحولات رفت."

درماندگی بورژوازی جهانی در اوضاع سیاسی ایران به شکل یک بحران حکومتی مزمن و لاینحل بروز پیدا میکند. سیاستهای دولت روحانی در همه زمینه ها از رابطه با غرب گرفته تا مهار بحران اقتصادی با نافرمامی روبرو شده است. روی کار آمدن روحانی خود حاصل درماندگی و بن بست ولی فقیه و اصولگرایان حکومتی بود و امروز بر همه معلوم شده است که این درماندگی و بن بست مساله این یا آن جناح حکومتی نیست

ذهنیشان فراتر نمیرود نمیتوان انتظار و توقعی داشت. این نیروها در بهترین حالت به شکل نیروی فشار بر حکومتها و احزاب اصلی جامعه عمل میکنند و هر جا هم دست به عملی میزنند از جبهه اسلام ضد آمریکائی سر در می آورند. کمونیسم نوع حزب توده و اکثریت در ایران و گروه اس دلبیو پی در انگلیس دو نمونه تیبیک این نوع "کمونیسم" به شمار میروند. بحث بر سر نقش و جایگاه

"مهمترین وظیفه کنگره نهم تبیین و تعیین جهتگیری و رئوس سیاستی است که بتواند حزب را به یک نیروی اجتماعی پر نفوذ و موثر در تحولات سیاسی در ایران تبدیل کند"

کمونیسم کارگری در جهان امروز است. امروز نقش و وظیفه توده ای و اجتماعی کردن کمونیسم تماماً بر دوش کمونیسم کارگری قرار گرفته است. و حزب کمونیست کارگری از لحاظ نظری و سیاسی و به اعتبار کارنامه درخشان پراتیک مبارزاتی اش در همه عرصه ها از قابلیت ایفای این نقش برخوردار است. برنامه یک دنیای بهتر، تئوریها و سیاستهای پایه ای کمونیسم کارگری که بوسیله منصور حکمت تدوین شده بویژه "تفاوتهای ما"، و نظریه "حزب و جامعه" و "حزب و قدرت سیاسی" جنبش کمونیسم کارگری علی العموم را در چنین موقعیت مساعدی قرار داده است و پراتیک گسترده و فعال و پیگیر در عرصه های مختلف مبارزه در ایران و در سطح جهان، مشخصاً حزب کمونیست کارگری را. به نظر من مهمترین وظیفه کنگره نهم تبیین و تعیین جهتگیری و رئوس سیاستی است که بتواند حزب را به یک نیروی اجتماعی پر نفوذ و موثر در تحولات سیاسی در ایران تبدیل کند.

انترناسیونال: مساله اجتماعی شدن حزب امر تازه ای

بلکه مشکل لاعلاج کل نظام جمهوری اسلامی است. معضل بورژوازی ایران، و بورژوازی جهانی در رابطه با ایران، شکل دان به یک حکومت نسبتاً با قوام و متعارف است. جمهوری اسلامی خود مظهر و برآیند این درماندگی بورژوازی بومی و جهانی است. این شرایط عینی اقتصادی و سیاسی، هم در سطح جهانی و منطقه ای و هم در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، بیش از هر زمان دیگر بر ضرورت و مبرمیت و مطلوبیت عروج یک نیروی انقلابی کمونیستی که بتواند صدا و نمایندنده و رهبر توده مردم به ستوه آمده از وضعیت موجود باشد تاکید میکند. از سوی دیگر یک مشاهده ساده تحولات چند ساله اخیر، از انقلاب ۸۸ تا جنبش اشغال تا انقلابات موسوم به بهار عربی نشان میدهد که کمونیسم بعنوان یک نیروی سیاسی که بتواند این مبارزات را نمایندگی و رهبری کند و به پیروزی برساند از صحنه غایب است. این مهمترین نقطه ضعف مبارزات و تحولات انقلابی جاری است.

روشن است که از کمونیسم سنتی و غیر کارگری، فرقه های درخودی که امرشان از تفسیر دنیا و پاسداری از اصول

مصاحبه با حمید تقوایی در مورد

کنگره ۹ حزب، انتظارات و چشم اندازها

نیست. از زمان طرح نظریه حزب و جامعه بوسیله منصور حکمت تا امروز تلاشهای زیادی برای تبدیل حزب به یک نیروی اجتماعی پر نفوذ و موثر صورت گرفته است. چرا پاسخگوئی به این مساله را مهمترین وظیفه کنگره میدانید و چرا فکر میکنید طرح مجدد این بحث میتواند راهگشا باشد؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردید میحث و نظریه حزب و جامعه یکی از مبانی فعالیت حزب ما است. این نظریه شانزده سال قبل توسط منصور حکمت تدوین و اعلام شد و سیر تحولات در ایران و جهان و موقعیت امروز نیروها و احزاب کمونیست تاکید دیگری بر صحت و ضرورت و میرمیت این نظریه است. اساس کار حزب در مقطع حاضر منطبق ساختن این نظریه و در دستور قرار دادن اقدامات عملی منتج از آن بر متن شرایط و اوضاع متحول دنیای امروز است.

یکی از محورهای نظریه حزب و جامعه متکی شدن به ابزارها و مکانیسمهای اجتماعی مبارزه است و این ابزارها و مکانیسمها بویژه در دهساله اخیر اساسا متحول شده است. انقلاب الکترونیک و پدیده مدیای اجتماعی عرصه سیاست و فعل و انفعال سیاسی و بویژه اعتراض و مبارزه را در همه کشورها متحول کرده و در چهارچوب کاملا نوینی قرار داده است. مدیای اجتماعی نه تنها انحصار دولتها و رسانه های رسمی بر

عقاید و آرا و افکار عمومی را در هم شکسته و بحث و تبادل نظر و همفکری را برای توده های وسیع مردم آن هم در یک مقیاس فراکشوری و جهانی امکانپذیر کرده است بلکه گردآوری نیرو و خود سازماندهی در جنبشهای اعتراضی و انقلابات را به امری ممکن و قابل حصول بدل کرده است. در جنبش اشغال، در انقلابات بهار عربی و بویژه در انقلاب مصر و بدنیاال آن شکل گیری جنبش تهر که به کنار زدن اخوان المسلمین از قدرت منجر شد این نقش تعیین کننده مدیای اجتماعی کاملا برجسته و قابل مشاهده است. اینجا بحث صرفا بر سر تکنولوژی جدید اطلاعاتی و نشر عقاید و آرا نیست، بلکه تحول رادیکالی است که در اثر انقلاب الکترونیک در نفس "عمل انقلابی"، و شیوه ها و اشکال اعتراض و در یک کلام مکانیسمهای مبارزه طبقاتی بوجود آمده است.

اساسا در نتیجه تاثیرات گسترده و رادیکال مدیای اجتماعی در دهه دوم قرن بیستم فضای سیاسی جوامع، از بحث و تبادل نظر و شکلهی به عقاید و آرا تا ابعاد و اشکال کمپینها و آکسیونهای اعتراضی و تا بسیج و به حرکت در آمدن توده های مردم در جنبشها و انقلابات، ابعاد تازه و کاملا متفاوتی با گذشته پیدا کرده است. مشخصا در ایران ما شاهد یک تحرك سیاسی وسیع در سطح جنبش کارگری و اعتراضات اجتماعی علیه اعدام و برای آزادی زندانیان

سیاسی و علیه حجاب و جداسازی جنسیتی و بویژه فعال شدن و پیش افتادن نسل جوان در این عرصه ها هستیم که مستقیم و یا غیرمستقیم نتیجه این فضای سیاسی و اعتراضی نوین

است. روشن است که کمونیسم متحزب نمیتواند بدون تبیین و تئوریزه کردن این پدیده و بدون درگیر شدن عملی و پراتیکی در این فضای اعتراضی به یک نیروی سیاسی دخیل و موثر در دنیای امروز تبدیل بشود.

بنابراین بحث صرفا بر سر استفاده از مدیای اجتماعی در تبلیغات و سازماندهی نیست بلکه بحث بر سر کل پراتیک حزب و خود پدیده حزب و حزبیت بر متن شرایط و فضای مبارزاتی نوین و با اتکا بر مکانیسمهای مبارزاتی امروز است. پاسخگوئی به این ضرورت مستلزم متحول شدن پراتیک و فعالیت حزب از تبلیغات تا سازماندهی و تا کمپینها و آکسیونها و حتی آرایش تشکیلاتی و مناسبات درون حزبی و غیره است. نه تنها در ایران بلکه در یک مقیاس کلان و در سطح جهانی نیز "اجتماعی شدن با اتکا به مکانیسمهای

امروز مبارزه طبقاتی" پاسخ ما به غیبت کمونیسم کارگری از انقلابات و جنبشهای امروز است. به نظر من در جنبش اشغال و در انقلابات منطقه فعالین چپ و کلا چپ اجتماعی که نقد ریشه ای به دیکتاتوریا و حکومت یک در صدها داشت و سیعا فعال بود اما کمونیسم متحزب ضعیف و یا حاشیه ای بود. یک نتیجه مهم این تجربه برای حزب ما اینست که با درک و تبیین سنتی از حزب و حزبیت نمیتوان از حاشیه به متن

تحولات رفت. حزب باید در تمامی عرصه ها از تبلیغات و سازماندهی گرفته تا سبک کار و شیوه های فعالیت و تا کمپینها و آکسیونها و تا مناسبات و آرایش درون حزبی، خود را با شرایط نوین مبارزه وفق بدهد. البته کنگره نمیتواند و لزومی هم ندارد به تمام این جنبه ها بپردازد. وظیفه کنگره روشن کردن خط و جهت گیری سیاسی است که بتواند مبنای نقشه عملها و سیاستهای عملی لازم برای تبدیل حزب به یک نیروی موثر اجتماعی قرار بگیرد.

انترناسیونال: بعنوان آخرین سؤال در آستانه برگزاری کنگره ۹ حزب پیام و فراخوان شما به مردم ایران چیست؟

حمید تقوایی: فراخوان من به مردم ایران اینست که حزب کمونیست کارگری حزب شما است. تنفر شما از جمهوری

اسلامی و خواستها و آمال و ایده آلهای انسانی شما بوسیله حزب کمونیست کارگری نمایندگی میشود. به حزب خودتان بپیوندید! سیاستهای حزب را دنبال کنید، به رهنمودهای حزب عمل کنید و مبلغ و اشاعه دهنده سیاستها و راهکارهای حزبی باشید.

پیام من به فعالین دست اندر کار اعتراضات و مبارزات اجتماعی اینست که حزب کمونیست کارگری ابزار تسهیل و تقویت و نهایتا به پیروزی رساندن

"از دید جامعه کنگره حزب یک رخداد سیاسی است؛ یک گردهمایی از فعالین و مبارزینی که ناراضی و نقد عمیق توده مردم به حکومت و نظام موجود را نمایندگی میکنند و راه و مسیر پیشرویهای بیشتر و پیروزی نهائی را مشخص و اعلام میکنند."

مبارزات شما است. حزب کمونیست کارگری، به اعتبار برنامه و سیاستها و کارنامه عملی اش، حزب مبارزه و اعتراض علیه تبعیض و نابرابری و بیحقوقی در همه عرصه ها و سخنگو و نماینده سیاسی توده مردم معترض در مقابل جمهوری اسلامی است. به حزب خودتان بپیوندید، و پرچم شعارها و راهکارها و سیاستهای حزبی را در دل مبارزات جاری برافرازید. و بالاخره توصیه من به عموم مردم اینست که مباحث کنگره نهم را دنبال کنید. من تردید ندارم که کنگره نهم با مباحث و تصمیمات و راهکارهای عملی که در دستور حزب قرار میدهد به همگان نشان خواهد داد که جای هرکس که دلش برای آزادی و برابری و رفاه انسانها در ایران و در سطح کل جهان می تپد در حزب کمونیست کارگری است.*

"کنگره در شرایطی تشکیل میشود که همه عوامل برای اشاعه و توده گیر شدن نقد کمونیستی از وضعیت امروز دنیا در یک مقیاس بین المللی فراهم است. به نظر من هیچ زمان بورژوازی مانند امروز با بی افقی ایدئولوژیک - سیاسی - اقتصادی و سر درگمی استراتژیک مواجه نبوده است و هیچ زمان مانند امروز توده وسیع مردم، نود و نه درصدیهای جهان، این چنین از وضعیت موجود ناراضی و معترض نبوده اند."

مهمترین درس بافق

اصغر کریمی



اتحاد کارگران، تشکیل مجمع عمومی و خبرسانی و طرح مشخص خواست ها و غیره امر تازه ای نیست و البته همیشه باید بر آنها تاکید کرد. آنچه در بافق تازه بود همراهی فعال و سازمانیافته و قائم به ذات خانواده های کارگران در شهر همزمان با اعتصاب در محل کار بود. در واقع کارگران نیروی بیش از آنچه در محل کار داشتند به میدان آوردند و گوشه ای از قدرت اجتماعی خود را نشان دادند. خانواده ها حلقه اتصال کارگران یک مرکز تولیدی محدود با جامعه شدند و تصویری از یک مبارزه فراتر از یک صنف به جامعه ارائه دادند.

است که خانواده های کارگران دسته جمعی و قائم به ذات دست به مبارزه میزنند و حتی کارگران را تشویق به ادامه اعتصاب تا آزادی کارگران بازداشت شده میکنند و روحیه مبارزاتی کارگران را تقویت میکنند. روشن است که شهر بافق یک شهر کوچک کارگری است و اکثر جمعیتش را همین کارگران معدن و بازنشستگان آن تشکیل میدهند و این ویژگی خاصی به مبارزه معدنچیان این شهر میدهد

برابر داد و نهایتاً آنرا به موفقیت رساند تحصن خانواده ها بود. در دهه اخیر خانواده های کارگران زندانی و خانواده های محکومین به اعدام و خانواده های جانبختگان نقش مهمی در گسترش فضای اعتراضی داشته اند. همچنین در سالهای گذشته شاهد حضور اعضای خانواده های کارگران در تجمعات و راهپیمایی کارگران هفت تپه و پتروشیمی های ماهشهر و کیان تایر در تهران بوده ایم. اما این اولین بار است که یک حرکت جمعی طولانی مدت بشکل تحصن در مقابل یک اداره دولتی بلافاصله در عکس العمل به دستگیری کارگران شکل میگیرد و مردم یک شهر را به همبستگی میکشاند. اولین بار

هر اعتصابی حتی اعتصابات با شکست میخورند، درس های زیادی دارند. تجارب شکست و پیروزی هر دو را باید بررسی کرد و منتقل کرد. دواعتصاب بزرگ و طولانی مدت کارگران معدن سنگ آهن بافق و تحصن خانواده های کارگران زندانی در این شهر هم درس های گرانبهائی دارد که در نوشته های دیگری به آنها اشاره کرده ام. اینجا میخواهم تاکید را روی یکی از این درس ها و بنظر من مهمترین آن بگذارم. و آن تحصن خانواده های کارگران زندانی است.

در بافق اتحاد کارگران و پافشاری آنها بر خواست های خود، این مبارزه را اساساً ممکن کرد. اما آنچه به این مبارزه قدرتی چند

تجربه مبارزه اخیر در بافق قاعدتاً باید توجه همه فعالین و تشکل های کارگری در سراسر کشور را به این مساله حیاتی و مهم جلب کرده باشد. پیوستن خانواده ها به یک مبارزه کارگری، اعم از شرکت آنها در تجمعات اعتراضی یا تظاهرات و راهپیمایی کارگران و یا تحصن بصورتی که در بافق شاهد بودیم، ظرفی میشود برای همبستگی سایر مردم آن شهر. مبارزه را از حالت صرفاً کارخانه ای و محدود خارج میکند و ابعاد اجتماعی بسیار گسترده ای به آن میدهد، خبر اعتصاب از این طریق صدبار بیشتر منعکس میشود و به اطلاع مردم میرسد و همه اینها امکان سرکوب را بسیار کاهش میدهد. و بویژه شکل تحصن ادامه دار امکان میدهد در طول روزهای تحصن تعداد زیادی از مردم مطلع شوند و در کنار آنها قرار گیرند. این یک تجربه بسیار غنی مبارزاتی است که باید مورد توجه جدی فعالین کارگری قرار گیرد.

تجربه بافق اهمیت و امکانپذیری پیوستن خانواده ها به یک اعتصاب کارگری را به همگان نشان داد. جالب است که درست در آخرین روز اعتصاب در بافق در روز ۱۲ شهریور، اعضای خانواده های ۱۵ نفر از کارگران ماشین لنت سمنان همراه با کارگران کارخانه، در مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند که بنظر میرسد از تجربه بافق تاثیر گرفته بودند.

این تجربه قابل تعمیم به خیلی از عرصه های دیگر مبارزه توده های مردم علیه شهریه مدارس، اعتیاد و گرانی و مشکلات طب و آب و هوای آلوده و غیره نیز میتواند باشد. جنبش کارگری در این زمینه هم در صف مقدم مبارزه توده ای قرار میگیرد و به توده های وسیع مردم راه نشان میدهد.*

"این اولین بار است که یک حرکت جمعی طولانی مدت بشکل تحصن در مقابل یک اداره دولتی بلافاصله در عکس العمل به دستگیری کارگران شکل میگیرد و مردم یک شهر را به همبستگی میکشاند. اولین بار است که خانواده های کارگران دسته جمعی و قائم به ذات دست به مبارزه میزنند و حتی کارگران را تشویق به ادامه اعتصاب تا آزادی کارگران بازداشت شده میکنند.

حماس ۱۸ تن را به جرم "جاسوسی" اعدام کرد! آیا "جاسوسی" جرم است؟

علی جوادی

روز جمعه ۳۱ مرداد، ۲۲ اوت، اعلام شد که حماس ۱۸ فلسطینی را به جرم "خبرچینی" برای اسرائیل در نوار غزه اعدام کرده است. یازده تن از این افراد در یک پاسگاه پلیس به جوخه اعدام سپرده شدند و هفت تن دیگر پس از نماز جمعه در مقابل مسجد تیرباران شدند. پیشتر نیز ایمن طاها سخنگوی حماس به جرم جاسوسی برای مصر اعدام شده بود. تحت قوانین جاری در سرزمینهای فلسطینی جاسوسی جرم و مجازات آن اعدام است.

در قبال اعدام جنایتکارانه این افراد توسط جریان تروریستی حماس در گرمارگم جنگ خونینی که اسرائیل اساسا علیه مردم فلسطین و بعضا علیه حماس به راه انداخت، باید به چند نکته اساسی اشاره کرد. ابتدائاً:

چرا سکوت؟

معمولاً اعدام گروهی از شهروندان یک جامعه با عکس العمل قابل ملاحظه ای در گوشه و کنار جهان و بخصوص توسط جریانات آزادیخواه و سوسیالیست و گروههای ضد اعدام مواجه میشود. اما این بار گویی استثنایی پیش آمده بود. گویی اعدام این افراد در گرما گرم کشتار آتش تویخانه اسرائیل که دسته دسته زن و کودک و سالمند و جوان فلسطینی را به نابودی میکشید از جایگاه سیاسی و اجتماعی چندانی برخوردار نبود. مگر نه اینکه بیش از ۲۰۰۰ فلسطینی توسط ارتش اسرائیل کشته و نابود شدند و جامعه ای با خاک یکسان شد؟ گویی این اعدامها قابل

بکشاند. میکشند تا زن را به تسلیم بکشاند. اعدام میکنند تا جوان را بی افق کنند. میکشند تا جامعه به این حقارت اسلامی تن دهد.

شرایط جنگی؟

معمولاً شرایط "جنگی" آن عرصه خاکستری است که اعدام فرد با توسل به آن توجیه و یا بعضاً عملی از سراجبار توجیه میشود. گویا "جنگ" توجیه قانع کننده ای برای مجازات اعدام و یا عامل "مخففه ای" در این چهارچوب است. واقعیت این است که اعدام در شرایط جنگی یکی از عرصه هایی است که هنوز در بسیاری از جوامعی که مجازات اعدام به لطف تلاش جنبشهای آزادیخواهانه و سوسیالیستی کنار زده شده است، کماکان به بقای شنیع خود ادامه میدهد. باید مجازات اعدام را در این عرصه نیز نابود کرد. شرایط جنگی علی العموم در جنگهای قدرت دول سرمایه داری معاصر شرایط اضطراری برای طبقه حاکمه این جوامع بمنظور حفظ قدرت سیاسی و یا گسترش حوزه نفوذ سیاسی است. قربانیان این جنگها اساساً توده های مردم بی دفاع و بی گناه هستند. شرایط اضطراری در درجه اول تلاشی برای اعمال شدیدترین شرایط و محدودیتها بر علیه توده های مردم کارگر و زحمتکش است، چرا که یک خطر واقعی در شرایط جنگی برای هیات حاکمه کشورهای "خودی" از جانب قیام و خیزش توده های مردم این جوامع علیه هیات حاکمه است. در حقیقت هدف اعدام در شرایط "اضطراری" و "جنگی" ادامه سیاست این جریانات در شرایط صلح است، کنترل و مرعوب کردن جامعه در هر شرایطی. برای برچیدن اعدام باید به مصاف سیاست مجازات اعدام در هر شرایط و به هر بهانه ای رفت.

به جرم جاسوسی؟

اعدام اشد مجازات است. پایان زندگی است. در جوامعی که فعالیت سیاسی به حکم

بافته ای از رژیم اسلامی در ایران نیست. هم جنس آن است. متحدش است. این افراد میتوانند معترضین به ارتجاع و جنایت حماس باشند. میتوانند آزادیخواهانی باشند که به بهانه شرایط جنگی اردوی آزادیخواهی و انسانیت را به نفع ارتجاع ناسیونالیستی و اسلامبستی ترک نکردند. میتوانند انسانهایی باشند که مخالف جنگ ارتجاعی اسرائیل و حماس هستند، جنگی که قربانیانش عمدتاً مردم ستمدیده فلسطین اند. این افراد میتوانند منتقدین سیاستهای جنگی حماس باشند، همانگونه که هزاران آزادیخواه در ایران به بهانه همین اتهامات پوچ توسط رژیم اسلامی اعدام شدند.

اما واقعیت ماجرا هر چه باشد، هر فردی به هر جرمی باید در دادگاه های عادی و علنی و با حضور هیات منصفه و برخورداری از وکیل مدافع محاکمه شود. در کلیه محاکمات اصل بر برائت متهم است و بار اثبات جرم نیز بر عهده دادستان است. اما دادگاه های حماس کوچکترین خوانایی با دادگاه های عادی حتی در یک جامعه سرمایه داری ندارد. ادامه و امتداد جوخه های ترور و دستجات عملیات تروریستی آن است. همان کسانی که عملیات انتحاری انجام میدهند همان افراد نیز قاضیان و دادستان و مجری احکام شنیع اعدامند.

بعلاوه این اعدامها بخشی از تلاش حماس برای حقنه کردن اسلامبسم و احکام کثیف اسلام بر جامعه فلسطین است. میکشند تا مردم را به تمکین

"اغماض" و قابل "گذشتند"، یا شاید کلاً اعدام در شرایط "جنگی" قابل "اغماض" و "گذشت" است. اما نه!

واقعیت این است که هیچ جنایتی جنایت دیگری را توجیه نمیکند. کشتار و قتل عام ساکنین غزه توسط ارتش اسرائیل نمی باید و نباید هیچ گونه توجیه و یا پوششی بر جنایت حماس باشد. قتل عام مردم فلسطین توسط اسرائیل به هیچ وجه جنایت "طرف مقابل" را چه در شرایط "صلح" و چه در شرایط "جنگی" توجیه نمیکند. جنایت جنایت است. اعدام جنایت است. مکان و زمان بر نمیدارد. قابل "اغماض" نیست. اعدام شنیع است. قتل عمد است. کور و انتقام جویانه است. مجازاتی وحشیانه و ضد انسانی است. سکوت بردار هم نیست. اعدام چه در زمان "صلح" و چه در زمان "جنگ" قتلی شنیع است. و باید بساط آن را برای همیشه بدون هیچ و عذر و بهانه ای در هم شکست!

ادعاهای پوچ حماس؟

حماس اعلام کرده است که این افراد را به جرم "خبرچینی" و "جاسوسی" اعدام کرده است. این صورت مساله را از تروریسم اسلامی نباید پذیرفت. ما قربانیان و تروریسم اسلامی در ایران بخوبی میدانیم که این اتهامات چقدر پوچ و بی پایه اند. میدانیم که چگونه آزادیخواهی و مبارزه علیه حکومت اسلامی را در دوران جنگ به اتهام پوچ "جاسوسی" و "ستون پنجم عراق و اسرائیل و آمریکا" به جوخه های اعدام سپردند. حماس نیز تافته جدا

مبارزات آزادیخواهانه و سوسیالیستی به یک حق داده شده ی توده های مردم تبدیل شده است، افراد را به این "جرم" به چوبه های دار و جوخه های اعدام نمی سپارند. در حالیکه قتل و جنایت عرصه ای است که مثلاً در برخی از ایالتهای آمریکا دارای مجازات اعدام است. اما اعدام به جرم جاسوسی دامنه وسیع تر و گسترده تری دارد. حتی برخی از کشورهای اروپایی دارای مجازات اعدام به جرم جاسوسی هستند. نتیجتاً علاوه بر نقد مجازات اعدام باید به خود مساله "جرم جاسوسی" پرداخت. در این زمینه تاکنون کمتر بحث و نقدی صورت گرفته است. باید مستقیم و بدون حاشیه پردازی به سراغ این عرصه رفت.

این سؤال به ریشه مساله میسپردازد. پاسخ تمامی مدافعین و مبلغین طبقات حاکمه جوامع کنونی به این سؤال بی قید و شرط یک آری محکم است. پاسخ ما کمونیستهای کارگری به این سؤال یک نه محکم است.

نکته جالب این است که "جاسوسی" در سیستم فعلی جرم در کشور "خودی" نیست، برای کشور رقیب جرم جنایی است. معمولاً جاسوسان خودی در زمره دریافت کنندگان بالاترین حقوق و مزایا هستند، اما جاسوس کشور رقیب با مجازات اعدام روبرو است.

اما چرا "جاسوسی" جرم نیست؟ واقعیت این است که ما دیپلماسی سری نداریم. زمانیکه ما در قدرت باشیم، مردم در قدرتمند. ما هیچگونه هدف میلیتاریستی و ناقض برابری و اعمال اراده آزاد مردم نداریم که نیاز به محافظت از آن داشته باشیم. ما عضو هیچ پیمان ضد مردمی و سلطه طلبانه و سرکوبگرانه نیستیم و نخواهیم بود. ما ارتش حرفه ای و نیروهای امنیتی مخفی نخواهیم داشت. برعکس، ما برای نابودی ارتش و سپاه و نیروهای مسلح

کارگران بافق مقابل تمام شگردهای حکومت ایستاده اند!

دو کارگر زندانی آزاد شدند اما اعتصاب و تحصن ادامه دارد!

اعتصاب کارگران معدن بافق ۸

شانزدهمین روز اعتصاب ۵۰۰۰ کارگر معدن سنگ آهن بافق:

تلاش های مقامات متعدد سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی برای بازگرداندن ۵۰۰۰ کارگر اعتصابی معدن بافق به سر کار بدون آزادی همکارانشان یکی پس از دیگری به شکست انجامید. گفتند خصوصی سازی نمیکنیم و شروع به اجرائی کردن خواست های ۱۶ گانه کارگران میکنیم تا میان کارگران تفرقه بیندازند و کارگران را به سر کار بفرستند. کارگران و خانواده های کارگران زندانی اما بر خواست آزادی بی قید و شرط کلیه کارگران زندانی تاکید کردند و شروع به کار را مشروط به آزادی همکارانشان کردند.

دیروز ساعت ۴ عصر علی صبری و نیمه شب دیشب امیرحسین کارگران دو نفر از کارگران بازداشتی را از زندان خلد برین! یزد آزاد کردند. علی صبری فوراً بلافاصله خود را به جمع خانواده ها و کارگران مقابل فرمانداری بافق رساند و گفت از ۲۸ مرداد و بدون هر گونه حکم جلب از جلو منزل بازداشت شدم. امروز فرماندار یزد، فرمانده نیروی انتظامی، مدیرکل دفتر سیاسی

استاندار به همراه صباغیان و اعضای شورای اسلامی شهر در شانزدهمین روز متوالی اعتصاب برای مذاکره با کارگران اعتصابی و تشویق آنها به پایان دادن به اعتصاب وارد معدن شده اند. خانواده های کارگران بازداشتی نیز همزمان وارد معدن شده اند و از کارگران خواسته اند تا آزادی کلیه کارگران زندانی به اعتصاب ادامه بدهند. کارگران اعتصابی نیز اعلام کرده اند که اعتصاب زمانی تمام میشود که همه کارگران بازداشتی آزاد شوند و بدین ترتیب نقشه های ارگان های مختلف حکومت را نقش بر آب کرده اند.

مقامات در جریان مذاکرات اعلام کرده بودند که آزادی کارگران زندانی بدون اینکه اعتصاب تمام شود برایشان گران تمام میشود اما کارگران اعتصابی تصمیم دارند که جمهوری اسلامی را وادار کنند این هزینه گران سیاسی را بپردازد. این يك خط قرمز حکومتی است که با سرکوب زنده است. اما اتحاد کارگران و همراهی فعال خانواده ها و مردم شهر با کارگران اعتصابی و کارگران زندانی رمز قدرت کارگران معدن بافق است و میتواند درس بزرگی به بالاترین مقامات سیاسی و امنیتی حکومت که مشغول تلاش برای عقب راندن کارگران بافق هستند، بدهد و

آنها را از خط قرمزشان عبور بدهد. يك شگرد دیگر مقامات این است که کارگران را یکی یکی و نیمه شب آزاد کنند تا امکان استقبال همزمان هزاران نفر از کارگران و مردم بافق که مشتاق آزادی آنها هستند فراهم نشود. کارگران و خانواده های آنها و کل مردم بافق اما باید خود را برای استقبال گرم از کارگران بازداشتی پس از آزادی از زندان خلد برین! یزد و برگزاری مراسم باشکوه پیروزی شان آماده کنند.

حزب کمونیست کارگری به کارگران آزاد شده علی صبری و امیرحسین کارگران، به خانواده هایشان و به کلیه کارگران معدن و مردم آزادیخواه در بافق صمیمانه تبریک میگوید و خود را در شادی و موفقیت آنها شریک میداند.

زنده باد اتحاد و عزم راسخ کارگران سنگ معدن بافق

زنده باد همبستگی با کارگران اعتصابی در بافق

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ شهریور ۱۳۹۳، ۳ سپتامبر ۲۰۱۴

از صفحه ۵

حماس ۱۸ تن را به جرم "جاسوسی" اعدام کرد!

آیا "جاسوسی" جرم است؟

حرفه ای مبارزه میکنیم. ما برای نابودی کلیه نیروها و سازمانهای نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی مبارزه میکنیم. ما سازمانهای جاسوسی را منحل خواهیم کرد. ما بجای ارتش حرفه ای و مافوق مردمی، نیروی میلیس شوراهای مردم را سازمان خواهیم داد. شفافیت و علنیت سیاسی در تمامی سطوح سیاست عمومی و رسمی

ماست. ما اطلاعاتی برای پنهان کردن از توده های مردم نداریم. در جامعه ای که شوراهای مردم حاکمند، تمامی سیاستهای کلان و مایکرو توسط نهادهای مردم اداره میشود، ضرورتی برای حفظ هیچ "سر" و "رازی" نیست، جایی هم برای "خبرچینی" و یا "جاسوسی" نیست. جامعه ای که بخواهد دخالت توده وسیع مردم را در دولت و اعمال حاکمیت در سطوح

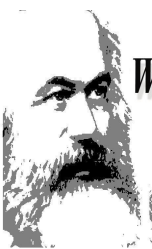
مختلف از محلی تا سراسری تامین کند، نمیتواند دارای نهادها و ارگانهای مخفی و اطلاعاتی و یا اطلاعات سری باشد. در جمهوری سوسیالیستی جرمی به نام "جاسوسی" و "خبرچینی" وجود نخواهد داشت. اطلاع داشتن از "اسرار" جامعه يك حق همگانی و مدنی است. و يك وظیفه دائمی نهادهای اداری و حکومتی جامعه مطلع داشتن شهروندان از کلیه جوانب زندگی اجتماعی و سیاسی است.

اگر چه مطلع بودن و حتی افشای "اسرار" حکومتی يك حق طبیعی شهروندان است اما "همکاری" و "خبر چینی" که منجر به قتل و جنایت شهروندان جامعه شود خارج از حوزه اطلاع رسانی در جامعه بوده و اقدامی

در زمینه جرم و جنایت است. این عرصه معمولاً درپچه ای است که جریان دست راستی و حکومتی با توسل به آن میکوشند حق شهروندان جامعه را در این زمینه یا از بین برده و یا محدود کنند و حق خبر رسانی و مطلع کردن جامعه از "اسرار" حکومتی را اقدامی در حوزه جنایی و قضا تعریف کنند.

خلاصه کنم. آنچه به عنوان "جاسوسی" و یا "خبرچینی" در

جوامع کنونی تعریف شده است و مجازات شنیع اعدام را برای آن تعریف کرده اند، در حقیقت يك حق طبیعی شهروندی است. حق مطلع بودن، حق مطلع کردن، حق خبر رسانی، حق افشای اسرار حکومتی. اطلاع رسانی جرم نیست. مجازاتی هم نباید بر آن مترتب باشد. جنبش علیه اعدام باید این زمینه را نیز در هم بشکند.*



WE STILL NEED MARX

TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

میز گرد بحث و تبادل نظر وضعیت جمهوری اسلامی و چشم انداز آینده

شرکت کنندگان:

فاتح شیخ (حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست)
ابراهیم علیزاده (حزب کمونیست ایران)
حسین لاجوردی (انجمن پژوهشگران ایران)
سیروس ملکوتی (فعال سیاسی)
حمید تقوایی (حزب کمونیست کارگری ایران)

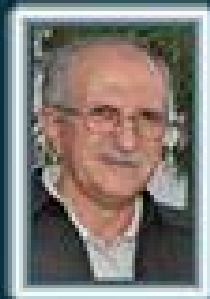
مکان: کلن (آلمان)

Jugendherberge Köln-Riehl
An der Schanz 14, 50735 Köln

شروع جلسه ساعت ۱۵ روز یکشنبه ۱۴ سپتامبر

زمان ورود به سالن ساعت ۱۴:۳۰

تلفنهای تماس: ۰۱۵۷۷۸۷۸۹۸۴۶ • ۰۱۷۷۸۲۹۷۸۴۱



صدها نفر با حمله به جلادان داعشی در محمودآباد مازندران مانع اجرای حکم اعدام شدند.

ایجاد درگیری دوستان قاتل در صحنه اجرای حکم با نظر رئیس شورای تأمین شهرستان، به تعویق افتاده بود، امروز و با حضور نیروهای اعزامی از نیروی انتظامی استان و همچنین حضور حجت‌الاسلام جعفری دادستان مرکز مازندران و برخی از مقامات عالی‌رتبه قضایی و انتظامی استان صورت گرفت.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام به همه مردمی که روز دوشنبه با حرکت اعتراضی مهم خود مانع از اجرای حکم اعدام شدند، درود می‌فرستد. این یک اتفاق مهم بود و به همه راه نشان داد. همانند مردم سیرجان و محمودآباد و ... باید صحنه‌های شنیع اعدام در ملأعام را به صحنه اعتراض و حمله به جانپان و آتش زدن طناب‌های دار تبدیل کرد. حکومت اسلامی ایران باید بداند که در محل اجرای احکام اعدام با مردمی خشمگین روبرو است که صحنه‌های اعدام را به صحنه اعتراض علیه جنایتکاران اسلامی تبدیل خواهند کرد.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام
۲ سپتامبر ۲۰۱۴

عجله و با لشکرکشی محسن - د را اعدام کرد!

سه‌شنبه حکم اعدام را با لشکرکشی از استان و با حضور آخوند‌های جانی و دادستان جلاد و مقامات انسان‌کش اسلامی، اجرا کردند چراکه این‌ها به درستی می‌دانند که فقط با جنایت و اعدام می‌توانند بر مردمی عاصی از این حکومت و این جنایات حاکمیت کنند. داعشان حاکم بر ایران، عصر دوشنبه فوراً جلسه مخفی تشکیل داده و برای اینکه نشان دهند کماکان می‌توانند بکشند، از استان نیروی کمکی وارد کرده و با حضور امام‌جمعه و جعفری منفور دادستان مرکز مازندران و تعدادی از جنایتکاران محلی و مقامات استان، این مرد جوان کشتند.

خانواده ابراهیم پالیزیان، فردی که به قتل رسیده، متأسفانه تا آخر خواهان اجرای حکم اعدام بودند. رسانه‌های حکومتی در مورد اجرای حکم اعدام در روز سه‌شنبه چنین نوشتند: "امروز سه‌شنبه اجرای حکم این قاتل که قرار بود صبح دیروز انجام شود اما به دلیل ازدحام جمعیت و کمبود نیروهای امنیتی و انتظامی و

سحرگاه روز دوشنبه ۱۰ شهریورماه محمودآباد در مازندران شاهد یک صحنه مهم مقابله با اعدام در ملأعام بود. چند هزار نفر مردم شاهد این حرکت اعتراضی مهم بودند. رژیم و جنایتکاران محلی از قبل مردم را برای دیدن صحنه شنیع اعدام در یک میدان در محمودآباد دعوت کرده بودند. خانواده (محسن - د) مردی که به اتهام قتل قرار بود اعدام شود، به دوستان و آشنایان و به مردم خبر داده بودند که در آنجا مانع اجرای حکم خواهند شد.

وقتی در این شهر طلوع آفتاب، سیاهی شب را به چالش گرفته بود، صدها نفر به جلادان نقاب بر صورت و حصارهایی که برای اجرای حکم اعدام، در اطراف محل جنایت کشیده شده بود، حمله کردند و جانپان از ترس مجبور شدند، مراسم را لغو کنند.

رسانه‌های حکومت اسلامی نوشتند: در این مراسم نزدیک به سه هزار نفر حضور داشتند که با سروصدا و هیاهو و اقدامات فیزیکی ناشی از حمله به حصار امنیتی باعث لغو مراسم اعدام شدند.

جمهوری جنایتکار اسلامی رو سه شنبه با

همه دنیا را فرا میخوانم پرچم داعش را آتش بزنند! فراخوان جوانان لبنانی برای یک حرکت جهانی علیه داعش



حرکت جهانی وصل شوند. پرچم داعش و پرچم جمهوری اسلامی ایران داعش در قدرت در ایران را آتش بزنید و از این صحنه فیلم گرفته و آنرا منتشر کنید.

مینا احدی

۴ سپتامبر ۲۰۱۴

را آتش بزنند. این ویدیو که امروز منتشر شده ، در فاصله کوتاهی ۲۱ هزار بار کلیک شده و این استقبال جهانی از این فراخوان ادامه دارد. <https://www.youtube.com/watch?v=LvQJqhcRtts&feature=youtu.be> از مردم ایران، از جوانان و از همه کسانی که این نوشته را میخوانند دعوت میکنیم به این

در لبنان بدنبال جنایات گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق و کردستان و شنگال و .. ، جوانان بپا خاسته و اعتراض میکنند. در بیروت سه جوان پرچم داعش را آتش زده و از این طریق خشم خود را علیه این جانپان وحشی اعلام کردند. داعش در لبنان نیز ۲۴ نفر را گروگان گرفته و اخیراً یکی از آنها را به نحو فجیعی به قتل رساند.

وزیر دادگستری لبنان به حرکت اعتراضی جوانان عکس العمل نشان داد و دستور دستگیری و اشد مجازات برای آتش زندگان پرچم داعش را صادر کرد. او این دستور مجازات را چنین توجیه کرد که این اقدامات داعش را جری تر میکند و برای ما در دسر آفرین است.

در پاسخ به این رفتار دولت، اکنون از طریق ویدیویی جوانان فراخوان به حرکت جهانی داده و از همه مردم دنیا دعوت کرده اند که پرچم داعش

بیایید همه باهم فریاد بزنیم: آزادی بی قید و شرط بیان حق مسلم ماست!

دعوت کمیته بین‌المللی علیه اعدام به یک اعتراض بین‌المللی

حکومت اسلامی ایران و سازمان‌های تروریست اسلامی آن را توهین به پیغمبر قلمداد کرده و تشویق به قتل کاریکاتوریست مزبور کرده و گفتند آزرده خاطر شده‌اند. این تهدیدات و حملات تروریستی عملاً باعث شد که منتقدین و روزنامه‌نگاران بسیاری از ترس جانشان، سکوت را بر نقد مذاهب و به‌ویژه نقد مذهب اسلام ترجیح دهند.

اینک وقت آن است که ما به خیابان رفته و بگوییم که از این‌همه جنایت و فرمان به قتل منتقدین و وبلاگ نویسان و روزنامه‌نگاران آزرده خاطر شده‌ایم! از آزادی بیان و عقیده دفاع می‌کنیم. با صدای بلند اعلام کنیم که جانمان از جنایت و ترور سازمان‌ها و حکومت‌های اسلامی بسر رسیده و در مقابل فرمان به قتل وبلاگ نویسان و منتقدین اسلام می‌ایستیم!

به حکم اعدام سهیل عربی متحدانه اعتراض کنیم!

<http://notonemoreexecution.org/1393/06/2227>

کمیته بین‌المللی علیه اعدام
۴ سپتامبر ۲۰۱۴

خراسانی، او را به اعدام محکوم کرد. همزمان در تهران یک دادگاه دیگر به اتهامات دیگر این وبلاگ نویس رسیدگی کرد و او را به سه سال زندان محکوم کرد.

اخبار حکایت از این دارد که خانواده این وبلاگ نویس منتقد مذهب تحت فشار قرار گرفته‌اند تا با رسانه‌های بین‌المللی و نهادهای علیه اعدام تماس نگرفته و این موضوع را رسانه‌ای نکنند.

سهیل عربی البته اولین قربانی حکومت اسلامی به اتهام وبلاگ نویسی نیست. این حکومت تاکنون چند وبلاگ نویس را اعدام کرده، چندین نفر وبلاگ نویس از جمله وحید اصغری و سعید ملک پور، مهدی علیزاده فخرآبادی و ... را دستگیر و زندانی کرده و ستار بهشتی را زیر شکنجه کشته است.

ما از همه سازمان‌های مدافع آزادی بیان و عقیده، سازمان‌های آتمیست و منتقد مذهب و از تشکل‌های وبلاگ نویسان دعوت می‌کنیم به این حکم اعدام فوراً اعتراض کنند.

روز ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۵ روزنامه یولند پستن در دانمارک کاریکاتوری چاپ کرد که



سهیل عربی وبلاگ نویس و منتقد مذهب در آستانه اعدام است

امروز از ایران خبر رسید که یک مرد ۳۰ ساله، پدر یک کودک ۵ ساله، به اتهام "توهین" به پیغمبر اسلام، به اعدام محکوم شده است. او به "جرم" وبلاگ نویسی ده ماه است که در زندان مخوف اوین بسر می‌برد.

سهیل عربی در آستانه اعدام شدن است، امروز پنجشنبه ۴ سپتامبر ۲۰۱۴ خبر رسید که دادگاهی که در تهران به اتهام او مبنی بر "توهین به پیغمبر اسلام" رسیدگی کرد، در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

سمینار

هویت و مشروعیت

سوال انتخاباتی از نمایندگان احزاب پارلمانی
در مورد هویت، ملیت، قومیت، مذهب، نژاد و نسبیت فرهنگی

درک ما از این موضوعات چیست؟ چگونه هویت خود را می‌یابیم؟
هویت چگونه ساخته می‌شود؟

استکھلم:

پنجشنبه ۴ سپتامبر، ساعت ۱۸

Medborgarplatsen

ساختمان Sensus طبقه چهارم

شرکت کنندگان پائل:

Emma Henriksson

Anti Avsan

Amina Kakabava

Esabelle Dingizin

Stina Bengtsson

Anna Steele

Maria Rashidi

Rebecca Hybbinette

Nicklas Kelemen

Karim Shamohammadi

حزب دموکرات مسیحی

حزب مودرات

حزب چپ

حزب سبزها

حزب مرکز

حزب لیبرال مردم

انجمن حق زن

نویسنده و محقق

محقق و مردم شناس

نهاد کودکان مقدمند

مجری برنامه: افسانه وحدت

با مطرح کردن نظرات و سوالات خود در این گفت و شنود شرکت کنید
نهاد کودکان مقدمند - استکھلم - به شما خوش آمد می‌گوید

تلفن تماس برای اطلاعات بیشتر 070-85 26 716

با همکاری Sensus

خطاب به مردم سندج و جهت اطلاع عمومی! آب سندج آلوده شده است!

مردم آزاده سندج!

آلوده بودن آب آشامیدنی شهر موضوع بسیار مهم و خطرناکی می‌تواند باشد. باید فوری استاندار و همه مقامات دولتی جوابگوی این سیاست ضد انسانی خود باشند. آنها را باید ناچار کرد موضوع آب آشامیدنی شهر که اساسا از سد وحدت تامین میشود را جدی بگیرند و اقدامات لازم را به عمل آورند. لازم است که هر اقدامی در این راستا صورت می‌گیرد باید با نظارت مستقیم مردم و یا نمایندگان از جانب مردم باشد که برای این امر تعیین بشوند. نباید به قول و قرارهای دروغین دولت باور کرد. مردم میتوانند راسا در مقابل استانداری و مقامات ذیربط تجمع کنند و از آنها بخواهند در اسرع وقت مردم شهر را از نگرانی آلوده بودن آب در بیاورند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۸ شهریور ۱۳۹۳

طبق گزارش رسیده به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران آبی که از سد وحدت به شهر میرسد تصفیه نشده و آلوده است. همین منبع خبری گفته است که اکثریت بالایی از مردم سندج تا روز شنبه ۸ شهریور از وضعیت آب شهری و آلوده بودنش بیخبر نگهداشته شده اند. در نشست محرمانه استانداری تاکید شده است که سازمان بهداشت باید سالانه آب شهری را آزمایش میکرد و مواد برای تصفیه آب و پاک کردن دستگاه تصفیه را کنترل میکرد، اما بیش از ۶ سال است هیچ کنترلی صورت نگرفته است. آنچه که معلوم است تعدادی از فعالین محیط زیست اعلام کرده اند که در آب سد وحدت حیواناتی مرده دیده شده است. نکته قابل توجه این است که گفته میشود مسئولین و مقامات بالای دولتی از مسئله آلوده بودن آب شهر با خبر بوده و خودشان از آب معدنی استفاده میکنند.

طبق گزارش رسیده به کمیته کردستان حزب روز چهارشنبه پنجم شهریور ۱۳۹۳ طی نشست محرمانه در محل استانداری کردستان در شهر سندج کارشناسان و مامورین دولتی اعلام کرده اند که آب سندج آلوده است.

استانداری کردستان این خبر مهم را تاکنون از مردم پنهان کرده است. در این جلسه محرمانه گفته شده است که آب سد وحدت به شدت آلوده است. سد وحدت دو خروجی بالای و پایینی دارد که به علت کمبود باران امسال برای تامین آب آشامیدنی شهر از خروجی پایینی استفاده شده است.

سطح پایین آب تنها موجب کمبود آب در سطح شهر سندج نشده است که هر محله روزانه ساعات محدودی میتوانند آب داشته باشند. علاوه بر این برای آبرسانی شهر مامورین ناچارا باید از خروجی پایین سد به منظور آبرسانی شهر استفاده کنند که بسیار آلوده و استفاده از آن میتواند منشا بیماریهای متعددی باشد.



اتحادیه سراسری کارگران تولیدی استرالیا با حمایت خود از کارگران زندانی خواستار انزوای سیاسی جهانی جمهوری اسلامی شدند.

۴ - هیئت اجرایی خواهان منزوی کردن سیاسی جمهوری اسلامی در سطح بین المللی، بایکوت این حکومت از سازمان جهانی کار و تمام نهادهای کارگری دنیا میباشد.

بمشابه اقدامی برای اجرای این مصوبه، من بنمایندهای از طرف بیشتر از صد هزار عضو این اتحادیه این نامه را برایتان می نویسم تا به شما اعلام کنم که اتحادیه سراسری تولید کنندگان استرالیا رفتار حکومت شما نسبت به کارگران و مردم ایران را محکوم میکند و به حکومت شما تاکید میکند که همه کارگران زندانی، زندانیان سیاسی، از جمله رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده که هم اکنون در اعتصاب غذا بسر میبرند، باید فوراً آزاد شوند.

اندرو دیتمر: رئیس سراسری اتحادیه
رونوشت: محمود بابایی سفیر ایران در کنبرا

۲ سپتامبر ۲۰۱۴

به رهبر جمهوری اسلامی ایران
عالیجناب

من بنمایندهای از طرف هیئت اجرایی خودمان بدین وسیله مایلم شما را در جریان مصوبه ای که بتصویب هیئت اجرایی ما رسید و حاوی مفاد زیر است قرار دهم.
هیئت اجرایی:

۱ - پشتیبانی خود را از کارگران در ایران اعلام می کند و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی میباشد.

۲ - جمهوری اسلامی ایران را برای تعقیب فعالین کارگری و همه مخالفان سیاسی محکوم میکند.

۳ - از مبارزات کارگران و مردم ایران برای آزادی، حق تشکل و اعتصاب، رفاه و برابری و عدالت و یک زندگی انسانی دفاع می کند.

بدنبال تلاش های ارسلان ناظری از همکاران کمیته همبستگی بین المللی کارگری - ایران و کمپین برای آزادی کارگران زندانی، رئیس اتحادیه سراسری کارگران تولیدی استرالیا قطعنامه ای را که در آپریل سال گذشته از سوی این اتحادیه به تصویب رسیده بوده را در هیات اجرایی این اتحادیه طرح کرد و این قطعنامه مورد تصویب مجدد قرار گرفت. رهبری این اتحادیه بار دیگر بر همبستگی خود با کارگران ایران و آزادی فوری کارگران زندانی تاکید گذاشت و خواست انزوای جهانی جمهوری اسلامی را مورد تاکید قرار داد. متن فارسی و نسخه اصلی این نامه که خطاب به خامنه ای است، ضمیمه است

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲ سپتامبر ۲۰۱۴

Shahla_daneshfar@yahoo.com
siyavesazeri@hotmail.com
http://free-them-now.blogspot.com
http://free-them-now.com

لیست نمایندگان کنگره نهم حزب کمونیست کارگری ایران در مرحله انتخابات سراسری به ترتیب درصد آرا

(کمیته برگزاری انتخابات نازنین برومند، فاتح بهرامی، فریبرز پویا، کیوان جاوید، بهرام سروش)

۴۳%	۷۳- بهار میلانی	۶۳%	۳۷- سیامک امجدی	۹۱%	۱- حمید تقوائی
۴۲%	۷۴- زری اصلی	۶۲%	۳۸- آذر پویا	۸۹%	۲- مینا احدی
۴۰%	۷۵- سیاوش آذری	۶۲%	۳۹- محمد امین کمانگر	۸۷%	۳- مریم نمازی
۴۰%	۷۶- حیدر گویلی	۶۲%	۴۰- عصام شکری	۸۶%	۴- شهلا دانشفر
۳۹%	۷۷- رضا فتیحی	۶۱%	۴۱- آوات فرخی	۸۶%	۵- اصغر کریمی
۳۹%	۷۸- سرور کاردار	۶۰%	۴۲- رضا مرادی	۸۳%	۶- سیامک بهاری
۳۹%	۷۹- عباس ماندگار	۶۰%	۴۳- مرتضی فاتح	۸۲%	۷- محمد آسنگران
۳۹%	۸۰- رضا آزموده	۵۹%	۴۴- فرشاد حسینی	۸۲%	۸- مصطفی صابر
۳۹%	۸۱- سارا نخعی	۵۹%	۴۵- بهمن خانی	۸۲%	۹- شیوا محبوبی
۳۸%	۸۲- سیاوش شهابی	۵۹%	۴۶- نسرين رمضانعلی	۸۲%	۱۰- خلیل کیوان
۳۷%	۸۳- مسعود آذرنوش	۵۸%	۴۷- بهروز مهرآبادی	۸۱%	۱۱- فریده آرمان
۳۷%	۸۴- فاضل نادری	۵۸%	۴۸- محمد رضا پویا	۸۱%	۱۲- محسن ابراهیمی
۳۶%	۸۵- محبوبه سیاهمردی	۵۵%	۴۹- نازنین صدیقی	۷۸%	۱۳- بهرام سروش
۳۶%	۸۶- مریم طاهری	۵۴%	۵۰- کیوان آذر	۷۸%	۱۴- کیوان جاوید
۳۶%	۸۷- علی محسنی	۵۴%	۵۱- میترا دانشی	۷۷%	۱۵- کاظم نیکخواه
۳۶%	۸۸- مهین کابلی	۵۴%	۵۲- بهروز بهاری	۷۶%	۱۶- نازنین برومند
۳۵%	۸۹- مجید آذری	۵۳%	۵۳- ایرج فرجاد	۷۶%	۱۷- سیما بهاری
۳۵%	۹۰- شیرین شمس	۵۳%	۵۴- جمال صابری	۷۶%	۱۸- حسن صالحی
۳۵%	۹۱- نوشین قادری	۵۲%	۵۵- پیام آذر	۷۶%	۱۹- فاتح بهرامی
۳۴%	۹۲- فرزانه درخشان	۵۲%	۵۶- صابر رحیمی	۷۴%	۲۰- فریبرز پویا
۳۳%	۹۳- محمود قانلی	۵۱%	۵۷- پتی دینیتاس	۷۴%	۲۱- عبه اسدی
۳۳%	۹۴- ازگور یالچین	۵۰%	۵۸- سمیر نوری	۷۴%	۲۲- افسانه وحدت
۳۲%	۹۵- مهین درویش روحانی	۴۹%	۵۹- طه حسینی	۷۳%	۲۳- شهناز مرتب
۳۲%	۹۶- کاوش مهران	۴۹%	۶۰- شهلا خیابزاده	۷۲%	۲۴- عبدال کلپریان
۳۲%	۹۷- سیامک زارع	۴۹%	۶۱- شمه صلواتی	۷۱%	۲۵- سوسن صابری
۳۱%	۹۸- سیامک مکی	۴۸%	۶۲- سیروان قادری	۷۱%	۲۶- نوید مینائی
۳۰%	۹۹- ناصر شیشه گر	۴۸%	۶۳- فرشته مرادی	۷۱%	۲۷- نسان نودینیان
۲۹%	۱۰۰- سعید ویسی	۴۷%	۶۴- محمود احمدی	۶۸%	۲۸- مرسته قانلی
		۴۷%	۶۵- نازیلا صادقی	۶۸%	۲۹- ناصر اصغری
		۴۷%	۶۶- هرمزها	۶۷%	۳۰- بابک یزدی
		۴۷%	۶۷- هوشیار سروش	۶۶%	۳۱- امیر توکلی
		۴۶%	۶۸- شهاب بهرامی	۶۶%	۳۲- علی جوادی
		۴۶%	۶۹- بهمن ذاکر نژاد	۶۶%	۳۳- محمد شکوهی
		۴۵%	۷۰- سعید مدانلو	۶۶%	۳۴- کریم شاه محمندی
		۴۴%	۷۱- محمد کاظمی	۶۶%	۳۵- جمیل فرزاد
		۴۳%	۷۲- مهران محبوبی	۶۴%	۳۶- یلی محمودی



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

